

## داستان هایی برای آموزش تفکر انتقادی به کودکان

### داستان سیب قرمز یا سبز؟

یک روز علی و خواهرش به بازار رفتند. فروشنده دو نوع سیب داشت: قرمز و سبز. علی سریع گفت: سیب قرمز بهتره! اما خواهرش پرسید: چرا فکر میکنی بهتره؟ شاید سبزه شیرین تر باشند. فروشنده به آنها پیشنهاد کرد هر دو را امتحان کنند. بعد فهمیدند که سیب سبز ترش است و سیب قرمز شیرین .

### سؤال‌های گفت‌وگویی داستان "سیب قرمز یا سبز؟"

- چرا علی فکر می‌کرد سیب قرمز بهتر است؟
  - آیا ظاهر یک چیز همیشه نشان‌دهنده کیفیت آن است؟
  - خواهر علی چه کاری کرد که به تصمیم بهتری برسند؟
  - اگر آن‌ها بدون امتحان کردن سیب‌ها خرید می‌کردند، چه اتفاقی می‌افتاد؟
  - در چه موقعیت‌های دیگری باید قبل از تصمیم‌گیری، بررسی کنیم؟
- مهارت هدف: پرسشگری، آزمون فرضیه، تصمیم‌گیری بر اساس شواهد

## داستان کفش گلی

مریم وارد کلاس شد و کفشش پر از گل بود. بچه ها خندیدند و گفتند: حتماً دیر کرده چون بیرون بازی کرده. اما معلم پرسید: آیا مطمئنید؟ چه دلیل دیگری میتونه وجود داشته باشه؟ مریم گفت: راه مدرسه بارونی بود و مجبور شدم از مسیر خاکی رد بشم بچهها فهمیدند همیشه یک ظاهر نمیتواند همهی حقیقت را نشان دهد.

## سؤالهای گفت‌وگویی داستان "کفش گلی"

- چرا بچه‌ها فکر کردند مریم دیر کرده است؟
- معلم با پرسیدن سؤال چه تغییری در فکر بچه‌ها ایجاد کرد؟
- آیا همیشه اولین حدس ما درست است؟
- چه راه‌های دیگری برای فهمیدن حقیقت وجود دارد؟
- اگر بدون پرسیدن قضاوت کنیم، چه احساسی در طرف مقابل ایجاد می‌شود؟

مهارت هدف: دیدن دلایل مختلف، قضاوت منصفانه، تفکر تحلیلی

## داستان مداد گمشده رضا

رضا همیشه مدادش را روی میز می گذاشت. یک روز وقتی برای نوشیدن آب بیرون رفت، برگشت و دید مدادش نیست. ناراحت شد و سریع گفت: نیما برداشته، چون نزدیک میز من نشسته بود. نیما جا خورد و گفت: نه، من برنداشتم. بچه ها شروع کردند به پیچ کردن. معلم آرام جلو آمد و گفت: صبر کنید. کسی دیده که نیما مداد را برداشته باشد؟ همه سکوت کردند. معلم ادامه داد: وقتی چیزی را نمی بینیم، نمیتوانیم مطمئن باشیم. بیایید با هم فکر کنیم چه دلیلهای دیگری ممکن است وجود داشته باشد. بچه ها شروع کردند به گفتن احتمال ها: شاید روی زمین افتاده، شاید رضا خودش یادش رفته کجا گذاشته. بعد از کمی جست و جو، مداد زیر صندلی رضا پیدا شد. رضا خجالت کشید و از نیما عذرخواهی کرد. بچه ها یاد گرفتند که قبل از قضاوت باید دلیل داشته باشند.

## سؤال های گفت و گویی داستان "مداد گمشده رضا"

- رضا چرا سریع نیما را متهم کرد؟
- معلم چرا گفت «صبر کنید»؟
- چه شواهدی لازم بود تا بفهمیم چه کسی مداد را برداشته؟
- چه احتمال های دیگری به جز برداشتن نیما وجود داشت؟
- رضا بعد از پیدا شدن مداد چه چیزی یاد گرفت؟

مهارت هدف: پرهیز از قضاوت عجولانه، بررسی شواهد، مسئولیت پذیری فکری

## داستان چتر علی

یک روز بارانی، بچه‌ها از مدرسه بیرون آمدند. همه چتر داشتند جز علی. یکی از بچه‌ها گفت: حتماً فراموش کرده چتر بیاورد. دیگری گفت: شاید اصلاً چتر ندارد. بعضی‌ها شروع کردند به خندیدن. اما وقتی از علی پرسیدند، او گفت: چتر داشتم، ولی به دوستم دادم چون مریض بود و نمیتوانست خیس شود. بچه‌ها اول خجالت کشیدند، بعد او را تحسین کردند و فهمیدند که همیشه پشت یک رفتار، دلیل‌های مختلفی وجود دارد.

### سؤال‌های گفت‌وگویی داستان "چتر علی"

- چرا بچه‌ها درباره علی حدس‌های مختلف زدند؟
  - اگر از اول از علی سؤال می‌کردند چه اتفاقی می‌افتاد؟
  - رفتار علی چه چیزی درباره شخصیت او نشان داد؟
  - آیا همیشه دلیل رفتار دیگران همان چیزی است که ما فکر می‌کنیم؟
  - قبل از قضاوت درباره دیگران، چه کاری بهتر است انجام دهیم؟
- مهارت هدف: همدلی، تحلیل رفتار، تفکر چندبعدی

## کیف گمشده ی سارا

سارا هر روز با کیف آبی اش به مدرسه می رفت. یک روز وقتی زنگ تفریح تمام شد، دید کیفش روی نیمکت نیست. دوستش گفت: حتماً یکی کیف آن را برداشته. دوست دیگرش گفت: نه، شاید خودت یادت رفته کجا گذاشتی.

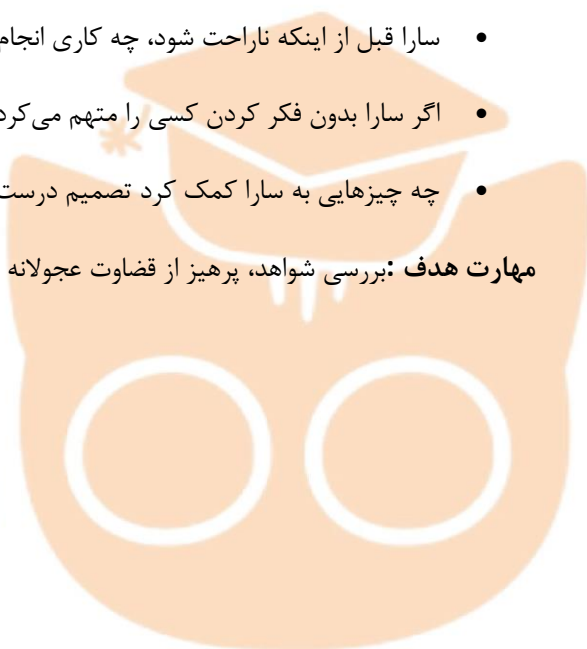
سارا ایستاد و فکر کرد. یادش آمد قبل از زنگ تفریح، کتاب علومش را به کلاس کناری برده بود. وقتی به آن کلاس رفت، کیفش کنار تخته بود.

### سؤال های گفت و گویی داستان "کیف گمشده ی سارا"

- سارا قبل از اینکه ناراحت شود، چه کاری انجام داد؟
- اگر سارا بدون فکر کردن کسی را متهم می کرد چه می شد؟
- چه چیزهایی به سارا کمک کرد تصمیم درست بگیرد؟

مهارت هدف: بررسی شواهد، پرهیز از قضاوت عجولانه

آکادمی  
سندکت



## داستان انتخاب سخت نیما

نیما فقط می توانست یکی از این دو کار را انجام دهد:

یا کاردستی مدرسه را کامل کند

یا با دوستانش بازی کند.

نیما نشست و فکر کرد. اگر کاردستی را انجام نمی داد، فردا آماده نبود. اگر بازی نمی کرد، شاید ناراحت می شد.

او تصمیم گرفت اول کاردستی را انجام دهد و بعد کمی بازی کند.

### سؤال های گفت و گویی "داستان انتخاب سخت نیما"

- نیما چه چیزهایی را با هم مقایسه کرد؟
  - آیا تصمیم نیما تنها راه درست بود؟
  - تو اگر جای نیما بودی چه می کردی و چرا؟
- مهارت هدف: تصمیم گیری آگاهانه، اولویت بندی

آکادمی  
سندکت

## داستان جعبه‌ی مرموز

معلم یک جعبه روی میز گذاشت و گفت:

حدس بزنید داخل این جعبه چیزی هست که صدا نمی‌دهد، سنگین نیست و می‌تواند اطلاعات بدهد؟

بچه‌ها حدس‌های مختلفی زدند: کتاب، گوشی، کاغذ...

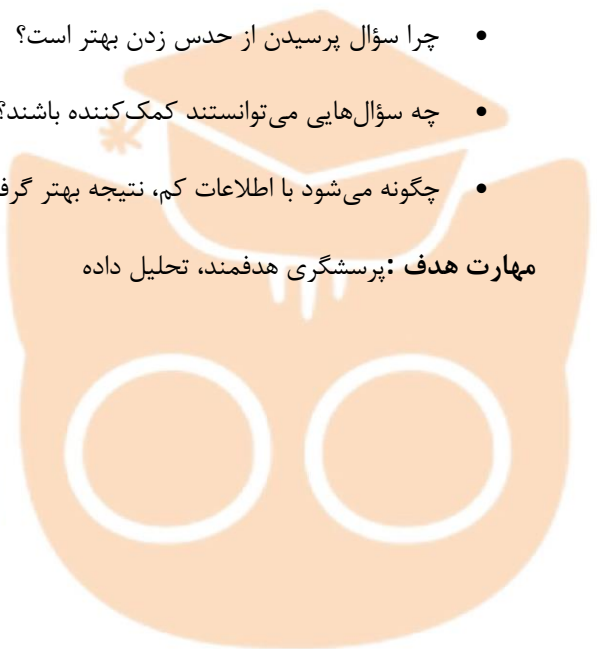
معلم گفت: به جای حدس زدن، چه سؤال‌هایی می‌توانیم بپرسیم؟

### سؤال‌های گفت‌وگویی "داستان جعبه‌ی مرموز"

- چرا سؤال پرسیدن از حدس زدن بهتر است؟
- چه سؤال‌هایی می‌توانستند کمک‌کننده باشند؟
- چگونه می‌شود با اطلاعات کم، نتیجه بهتر گرفت؟

مهارت هدف: پرسشگری هدفمند، تحلیل داده

آکادمی  
سندکت



## داستان چراغ قرمز عجیب

سارا و مادرش می‌خواستند از خیابان رد شوند. چراغ عابر قرمز بود، اما هیچ ماشینی نمی‌آمد.  
سارا گفت: «مامان، الان که ماشینی نیست، چرا رد نشیم؟»  
مادر لبخند زد و گفت: به نظرت چراغ قرمز فقط وقتی ماشین میاد مهمه؟  
سارا کمی فکر کرد...

### سؤال‌های گفت‌وگویی "داستان چراغ قرمز عجیب"

- چرا قوانین همیشه فقط به شرایط خاص وابسته نیستند؟
  - اگر هرکس فقط وقتی دلش خواست قانون را رعایت کند چه اتفاقی می‌افتد؟
  - سارا به چه نتیجه‌ای می‌تواند برسد؟
- مهارت هدف: استدلال منطقی، دیدن پیامدهای رفتار

### نکات مهم برای استفاده بهتر از داستان‌ها در آموزش کودکان:

می‌توانید قبل از خواندن سؤالات:

- از کودک بخواهید خودش یک سؤال بسازد
  - یا بپرسید: به نظر تو پیام این داستان چی بود؟
- این کار، سطح تفکر انتقادی را یک پله بالاتر می‌برد.  
بعد از هر داستان:

- عجله نکنید تا نتیجه را بگویید
  - اجازه بدهید کودک فکر کند
  - حتی اگر جوابش «اشتباه» بود، مسیر فکرش را بررسی کنید
- این‌ها دقیقاً همان چیزی است که تفکر انتقادی را می‌سازد.